

گفت و گو با هدایت ... تاجبخش:

تاکسی درمی؛ آمیخته ای از هنر و صنعت

زمان مهدی زاده



هنر نزد بشر، پایه ای بود بر تفکر. انسان نخستین به شکارگری می پرداخت و جسارت خود را روی دیواره های غارها حک می کرد. زمان به آرامی در گذر بود. باورهای بشری چون دودی بر پایه های تفکر جاری شد تا انسان متفکر زاده شود و کم کم روی به کشاورزی آورد و یکجانشینی اختیار کرد تا امروز که شهر نشینی ادامه یافته است. یکی از این باورها که جنبه ای سمبلیک و گاه مذهبی به خود می گرفت، اعتقاد به روح جانوران و ارتباط با ارواح بود. چنین شد که پوست جانوران شکار شده را از کاه پر می کردند و در جشن ها در راستای احترام به روح شکار به نمایش می گذاردند و این آغازی بود برای صنعت تاکسی درمی.

در حدود ۳ قرن پیش مجسمه ساز مشهوری به نام کاراگلی، روش کار تاکسی درمی را تغییر داد و علم را در هنر آمیخت تا صنعت تاکسی درمی زاده شود. این صنعت که یکی از نیازهای ورزش شکار نیز به شمار می رود، کمتر از یک قرن از ورودش به ایران می گذرد.

به همین بهانه سراغ پدر علم تاکسی درمی ایران رفتیم تا از کم و کیف این صنعت ساخته دست هنرمندان آگاه شویم.

«هدایت الله تاجبخش» را در موزه دارآباد یافتیم. او سال ها به کار شکار و جمع آوری نمونه از حیات وحش برای موزه های جانورشناسی مشغول بوده است و مدرک دکتری (PHD) در رشته بافت شناسی پوست حیوانات وحشی را از دانشگاه مونتره مکزیک گرفته است.

س: هنر تاکسی درمی چگونه به یک صنعت تبدیل شد؟

ج: در گذشته که هنوز تاکسی درمی علمی نشده بود، پس از شکار حیوانات برای نگهداری آن به هر منظوری امتحا و احشا آن را در آورده و سپس با کاه پر می کردند. نخستین بار کاراگلی، روش تاکسی درمی را تغییر داد و آن را با روش های مجسمه سازی که حرفه اصلی اش بود، آمیخت.

س: این روش نسبت به روش سنتی چه فایده ای دارد؟

ج: در گذشته همیشه پوست را پر کرده و به شکل حیوان در می آوردند. در این کار هیچ شباهتی به آناتومی حیوان پیدا نمی شود. به همین دلیل پوست پر شده کمتر به کار مطالعات علمی می آمد. از سویی تاکسی درمی به روش سنتی دوامی نداشت. چون پس از مدتی پوست را آفت و حشرات از بین می بردند. در روش جدید کاراگلی مجسمه حیوان را ساخت، پوست را دباغی (تنین) کرد و سپس روی مجسمه آماده کشید. دباغی و ضد عفونی پوست در روش جدید دلیلی شد تا در این دو سه قرن اخیر کارهای تاکسی درمی به جای مانده از گذشته تا امروز بدون آسیب جدی باقی بماند.

س: ارزش اصلی تاکسی درمی موجودات چیست؟

ج: همیشه نمونه های تاکسی درمی شده را یکجا جمع کرده و کلکسیون ها را شکل می دهند و از جمع آوری این کلکسیون ها موزه ها پدید می آیند.

این نمونه های تاکسی درمی می تواند یک پرنده، پستاندار، آبی و حتی یک حشره باشد. افراد کلکسیون هایشان را به موزه ها فروخته یا اهدا می کنند. آنگاه موزه ها با افزودن مطالب و اطلاعات روی نمونه، آن را در معرض دید عموم قرار می دهند و حقیقت امر ارتقای دانش و آشنایی مردم با حیات وحش است. چنانچه روزانه تنها دو-سه هزار نفر برای بازدید به موزه حیات وحش دارآباد مراجعه و از این نمونه ها دیدن می کنند و به این صورت می توانند تشخیص دهند اردک سرسبز زیستگاهش کجاست و یا گوزن زرد چه موجودی است و حتی در تحقیق های دقیق تر، محقق می تواند درباره انواع کوچ ها اطلاعات به دست آورد. به این ترتیب لازم نیست شخص برای دیدن همه قوچ های ایران و اطلاع از تنوع زیستگاهشان دور ایران را بچرخد و سال ها وقت بگذارد. وجود یک موزه طبیعی به خودی خود راهی ست برای جذب انواع گردشگران علاقه مند به محیط طبیعی. بسیاری از محققین این حوزه به موزه ها مراجعه می کنند.

س: اغلب کارشناسان از تاکسی درمی به عنوان یک صنعت یاد می کنند، به نظر شما تاکسی درمی هنر است یا صنعت؟

ج: تاکسی درمی آمیخته ای از هنر و صنعت است. اگر به بخش مجسمه سازی و ظرافت ها نگاه کنیم، یک هنر است و هنگامی که قابلیت هایش را در نظر می گیریم، چیزی از یک صنعت کم ندارد. بر فرض مثال هنگامی که صحبت از تروفه و نمونه ممتاز به میان می آید، ارزش تاکسی درمی نمایان می شود. برخی تروفه های ممتاز در کتاب های جهانی ثبت شده اند و رکوردی در خور توجه به شمار می روند. این تروفه های پراهمیت به طور حتم تاکسی درمی شده و الان در موزه ها و یا منازل شخصی نگهداری می شوند.

س: در موزه حیات وحش پردیسان عکسبرداری از نمونه های تاکسی درمی ممنوع است، اما در اینجا می بینیم که عکاسی آزاد

است. تفاوت این دو موزه در چیست؟

ج: در مدت زمان طولانی، استفاده از نور فلاش روی نمونه‌ها تأثیر می‌گذارد. البته ما دوست داریم مردمی که برای بازدید به اینجا می‌آیند، بتوانند با خود خاطره ای بیرون ببرند. از این نظر عکاسی و فیلمبرداری را آزاد گذاشتیم. خوب این خاطره برای یک بازدید کننده که از شهرستان یا حتی خارج از کشور آمده خیلی ارزشمند است. گرچه، نور فلاش در مدت زمان طولانی روی رنگ پوست نمونه‌ها تأثیر می‌گذارد، اما ما ترجیح می‌دهیم مردم بتوانند با خود یک یادگاری ببرند.

در واقع همزمان با از بین رفتن رنگ، خود تروفه نیز از بین می‌رود. نگهداری این حیوانات نیاز به تنظیم شرایط خاصی مثل رطوبت، نور، درجه حرارت دارد که خود این عوامل در مرور زمان باعث از بین رفتن تروفه می‌شوند. این پوست‌ها با مواد شیمیایی تاکسی‌درمی شده است. این مواد هم تا مدتی قابلیت نگهداری پوست را دارند و می‌توانند پوست را به این فرم نگهدارند. گذشت زمان باعث فرسودگی پوست می‌شود و به همین دلیل چندان مهم نیست که روزانه ۵ الی ۱۰ فلش هم بخورد و از تروفه عکس گرفته شود. از طرفی این آزادی عمل باعث جذب تعداد

صنعت نگاه کنیم، به چه زیر بنایی نیاز داریم؟ آیا می‌شود به

تاکسی‌درمی به عنوان یک صنعت درآمدزا نگاه کرد؟

ج: درآمد این حوزه اغلب از سوی شکارچیان تامین می‌شود. یعنی درآمد ما از شکارچیان است که برای شکار به ایران می‌آیند و بابت شکار ۳۰ هزار دلار و گاه بیش از ۵۰ هزار دلار هزینه می‌کنند. در تاکسی‌درمی حدود یک دهم این مبلغ هم پرداخت نمی‌شود. البته اگر برنامه ریزی درستی انجام شود، می‌توان عده‌ای را در این شغل مشغول به کار کرد. به شرطی که این افراد ابتدا آموزش‌های لازم را ببینند و یاد بگیرند.

در چنین صورتی حتی می‌توان یک کارگاه تاکسی‌درمی اینترنت‌شنال درست کرد و توانایی آن را داشت که کار از خارج کشور هم پذیرفت. به این صورت تروفه نظر از خود کار تاکسی‌درمی بی‌شک، چنین کارگاهی بازدیدکنندگان بسیاری از داخل و خارج کشور نیز دارد که این افراد علاوه بر بازدید از کارگاه به گردش پیرامون آن نیز می‌پردازند. از سویی اغلب این بازدیدکنندگان را محققان، شکارچیان و دانشجویان حوزه حیات وحش تشکیل می‌دهند.

س: بزرگترین معضل کار تاکسی‌درمی در ایران چیست؟



ج: بزرگترین معضل کمبود پروانه شکار است. سازمان حفاظت محیط زیست برنامه‌ریزی درستی ندارد. در واقع مشکل از اینجا آغاز می‌شود که سازمان بخشی به نام شکار و صید ندارد یکی از قسمت‌های مهم که هر جای دنیا وجود دارد. در ایران که همه چیز از کانون شکار و سازمان شکاربانی با اولویت محیط طبیعی شکل گرفت و بعدها به سازمان حفاظت محیط زیست تغییر نام داد. در همان اوان کار تمام پارک‌ها و مناطق حفاظت شده تعیین تکلیف شد. امروزه آن بنیانگذاران یا بازنشسته‌اند یا از بدنه سازمان بیرون آمده‌اند.

در حال حاضر کار در دست عده ای است که علاقه‌ای به این کار نداشته و با مسایل حیات وحش آشنایی ندارند. این افراد بدون اطلاع از موضوع شکار، دادن پروانه شکار را ممنوع کرده‌اند. هنگامی که شکارچی نتواند راهی شکار شود، در مرور زمان عشق و علاقه اش به کوه و دشت را از دست می‌دهد. آنگاه شکار مخصوص عده‌ای محلی می‌شود که تنها برای گوشت و بدون توجه به ارزش حقیقی شکار و تروفه اقدام به کشتار حیوانات می‌کنند. این افراد پوست‌ها را بیرون می‌ریزند. آن شخصی هم که اهل تروفه و نمونه است دیگر اقدام به شکار نمی‌کند، به این شکل دیگر کاری برای تاکسی‌درمی نمی‌ماند و در مرور زمان تاکسی‌درمیست‌ها مجبور می‌شوند تغییر شغل داده و یا تنها به انتظار روزی محال بنشینند. در همین کارگاه که مجهزترین و معروفترین کارگاه تاکسی‌درمی ایران است ما پارسال ۱۵ تروفه نمونه تاکسی‌درمی داشتیم، اما اسمال حتی برای آموزش مجبوریم اسب و گوسفند تاکسی‌درمی کنیم و این معضلی است که سازمان محیط زیست بر سر راه شکار و عوامل وابسته به شکار قرار داده است. به این صورت نه در صنعت تاکسی‌درمی و نه در باقی صنایع وابسته به شکار تحولی رخ نمی‌دهد و هرآنچه را هم تا امروز به دست آورده‌ایم خیلی زود از دست می‌دهیم.

بازدید کننده بیشتر می‌شود. با این روش علاوه بر آشنا کردن مردم با مقوله محیط زیست و حیات وحش می‌توانیم با بازگشت سرمایه در صورت نیاز تاکسی‌درمی‌ها را عوض کنیم و نمونه تازه جایگزین کنیم.

س: آیا از نظر اقتصادی تاکسی‌درمی می‌تواند یک صنعت برای صادرات باشد؟ به این صورت که شکارچی خارجی پوستش را در ایران تاکسی‌درمی کرده و آن را با خود ببرد؟

ج: مهم ترین امر پس از شکار تروفه این است که حیوان را هرچه سریعتر پوست کنده و پوست ضدعفونی شود. وقتی شکارچیان شاخ و پوست را از این جا می‌برند، در کشورشان به شکار مالیاتی تعلق نمی‌گیرد. به همین دلیل ترجیح می‌دهند پوست و شاخ را به مملکت خودشان ببرند و آنجا تاکسی‌درمی را انجام دهند. این درست است که هزینه تاکسی‌درمی در ایران حدود یک چهارم اروپا می‌شود، اما به دلیل پرداخت های مالیاتی مقرون به صرفه در نمی‌آید.

از طرفی تاکسی‌درمیست‌هایی که خارج از ایران هستند، به طور قطع نسبت به تاکسی‌درمیست‌های ایرانی ورزیده‌تر و سابقه کار بیشتری دارند. به امکانات و مواد شیمیایی بهتری دسترسی دارند. ولی در ایران تنها چند موسسه مطابق استانداردها هنر تاکسی‌درمی را انجام می‌دهند که یکی همین موزه دارآباد است. من هم این دوره‌های تاکسی‌درمی را در امریکا یاد گرفتم و با استادان خیلی بزرگی کار کردم و دباغی کردن پوست که قسمت مهم کار است را آموختم. خیلی از موسسه‌ها این امکانات را ندارند. کمبود این امکانات باعث می‌شود، حیوان پزکتیو زیبایی نداشته باشد و گاهی پس از بره‌های از زمان موهای نمونه می‌ریزد یا خراب می‌شود. از این رو شکارچیان تروفه ترجیح می‌دهند در مملکت خودشان این کار را انجام دهند.

س: اگر بخواهیم به هنر تاکسی‌درمی به عنوان یک

کمیته‌های راهبردی راه به جایی نبردند

هزینه‌کردنشان آنقدر جذابیت داشت که کشورهای جنوب شرق هم در پی جذب گردشگران ایرانی برآمدند. مالزی و تایلند روزه‌روز از ایرانیان بیشتری پذیرایی می‌کنند. در مقابل میزبانی ما از آنان بسیار محدود است. هنوز توریست‌هایی که به این مرزوبوم پامی گذارند در پی تاریخ و فرهنگند که تعدادشان بسیار اندک است و اغلب بازنشسته و کم‌هزینه‌اند. از این رو درآمد حاصل از گردشگری در مقابل بودجه‌ای که برای آن در نظر گرفتند، بسیار ناچیز است. تاسف بیشتر می‌شود هنگامی که مدیران سازمان اعتراف می‌کنند؛ نتوانستیم تمام بودجه را هزینه کنیم و ناچار باقی آن را به صندوق دولت برگردانیدیم.

پس از ناکامی گردشگری ورزشی در بازی‌های جام جهانی آلمان دلخوش به رویداد بزرگ بعدی بودیم. بخش خصوصی غیر متخصص نتوانست از ظرفیت ۲ هزار نفری تماشاگران اعزامی ایران استفاده کند. در حالی که هر ایرانی می‌توانست یک مبلغ و بازاریاب گردشگری برای جلب توریست باشد، تنها ۶۰۰ نفر با هزینه گران این تور کنار آمدند. در دوحه ریش و قیچی در دست متولیان دولتی بود. آنان ناکارآمدتر از همان بخش خصوصی عمل کردند. نه تنها گردشگران با پیمایی برای جلب توریست به دوحه اعزام نشدند، بلکه ایران غرفه‌ای برای ارایه محصولات تبلیغی هم مهیا نکرد.

به روز کردن سیستم حمل و نقل هوایی، تجهیز هتل‌ها و راه‌اندازی کاروان‌های شادی، بخشی از برنامه‌های دولت قطر برای نمایش زیبایی‌ها و جذابیت‌های این کشور به شمار آمد. آنها در بهره‌برداری از بزرگترین منبع انرژی گاز جهان از ما پیش افتادند و حال برنامه‌شان را گونه‌ای تنظیم کرده‌اند که نیرو و سرمایه خود را صرف درآمدزایی از گردشگری کنند. نحوه پذیرایی و سرویس‌دهی کشور میزبان موید این نکته بود.

کمیته راهبردی توریسم روستایی و عشایری که انتظار می‌رفت تأثیر مطلوب روی معیشت عشایر، اشتغال روستاییان و مشکل کوچ بگذارد، تنها به پیگیری چاپ کتابی برای معرفی روستاهای گردشگری بسنده کرد. این در حالی است که تنوع اقوام و طوایف در ایران برای جهانگردان جاذبه‌ای ویژه محسوب می‌شود. هنوز دهیاران درگیر نبود بودجه برای توسعه و مرمت هستند. در حالی که بودجه به صندوق دولت برمی‌گردد، ۳۶۵ روستا به عنوان مقاصد گردشگری شناخته شده‌است و هنوز نامی جز چند روستای ویژه به گوش ایرانیان نرسیده است.

کمیته توریسم سلامت به پشتوانه نرخ پایین خدمات پزشکی و شهرت کیفیت کار پزشکان ایرانی از ظرفیت فوق‌العاده‌ای برای جلب بیماران و گردشگران درمانی برخوردار است. در ۲۸ استان ایران آب‌های گرم و معدنی که خواص درمانی دارند، جاذبه مناسبی برای گردشگران خارجی به شمار می‌رود. با این همه هنوز لیست توریست‌های ورودی با انتخاب هدفی مبنی بر دیدار از این عرصه‌ها خالی مانده‌است.

زمان شتابناک در گذر است. سرعت پیشرفت بشر برای رسیدن به رفاه و آرامش بیشتر روز به روز افزایش می‌یابد. انسان ماجراجو در پی یافته‌های جدید، کیهان و کیهکشان‌ها را در می‌نوردد، بی‌محایا خود را در میدان هیجان می‌یابد. آخرین خیر جهانگردی مربوط به کیهانگردی زنی ایرانی بود که میلیاردها نفر اخبار سفرش را دیدند و شنیدند و خواندند. او که افتخاری برای این سرزمین به حساب می‌آید نام ایران را سر زبان مردم بسیاری انداخت. او یک مهاجر است. ما درموطن خود برای بلند آوازی و سرافرازی ایران در عرصه تخصصی گردشگری چه کردیم؟ چه فرصت‌ها را یکی پس از دیگری از دست دادیم؟ در حالی که بزرگترین رویداد ورزشی بزرگترین قاره دنیا کنار گوشمان اتفاق افتاد چه افتخاراتی کسب کردیم؟ چقدر از این میدان رقابت فرهنگی - ورزشی که پیامدهای اقتصادی قابل توجهی دارد، استفاده کردیم؟

فلات ایران آنقدر باشکوه و پر جلال است و غنی از فرهنگ و گوناگونی که به حق، پیشگامان صنعت گردشگری نام زبنده «ایران، جهانی در یک مرز» را بر آن نهاده‌اند. برای این مرز پرگهر در معاونت گردشگری سازمان عریض و طویل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، کمیته‌های راهبردی تعریف شد. وظایف این کمیته‌ها به گفته مسوولان و دبیران اجرایی آن، یافتن پتانسیل‌ها و روش‌های اجرای طرح‌ها و پروژه‌های گردشگری است. کمیته‌های توریسم روستایی - عشایری، توریسم سلامت - درمانی - و توریسم ورزشی تشکیل شد تا روی پتانسیل‌های بالای گردشگری در این عرصه‌ها فعالیت کنند. موفقیت در هر کدام از این بخش‌های گردشگری سبب تولید اشتغال بالای نیروهای مردمی به ویژه جوانان روستاها و شهرستان‌های دور از پایتخت می‌شود که از اهداف انقلاب اسلامی و شعارهای جدی دولت نهم بوده است. از این رو این بخش می‌تواند کارآمدی دولت را در پیشگیری از مهاجرت و توزیع ثروت بین اقشار محروم به نمایش بگذارد.

به هنگام انتشار خبر تشکیل کمیته‌های راهبردی بارقه‌های امیدی تازه در دل دست‌اندرکاران و فعالان گردشگری درخشید. آنها انتظار داشتند که حضور و فعالیت چنین تشکیلاتی گره از مشکلات حوزه گردشگری باز کرده و رونق این صنعت را در پی داشته باشد. اما آنچه اتفاق افتاد آن بود که کمیته‌های راهبردی کمیته‌هایی خونسرد و بی‌تحرك یا پرهیاهو اما ناکارآمد از آب درآمدند. در این میان، تنها می‌توان به یک سری تفاهمنامه دل خوش کرد. تفاهمنامه‌هایی که اگر قابلیت کاربردی داشت و سرمایه‌گذاری در گردشگری را تسهیل می‌کرد، امروز شاهد اتفاقات شادی‌آفرین و افتخارات جدیدی در جلب گردشگران خارجی بودیم.

اما آنچه جهانیان از ما می‌بینند بشتر میهمانی است تا میزبانی. ما ایرانیان، گردشگران خوبی هستیم و برای همسایگان به ویژه ترکیه و امارات متحده عربی بازار هدف خوبی به شمار می‌آییم. سرمایه‌گذاری ایرانیان و نحوه